

ون

لغات العالم

شنبه ۲۲ سنبله ۱۳۵۹
۱۳ سپتامبر ۱۹۸۰

A-P
77-938031



15521/02-71 YCO

Ketabton.com





بیرک کارمل منشی عمو مسی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیک افغانستان مو قعیکه بیکهده از مردم ولسواک لای خاستم ولایت سمنگان مصافحه مینما یند.

اختصار وقایع مهمه

با ساس پیروی از فیصله های سومین پلینوم تاریخی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عده زبیدی از همو طمان نجیب و زحمتکش ما که فریب دشمنان داخلی و بین المللی انقلاب شور را خو رده بردند روزتاروز اهداف والاو انسانیسی انقلاب را درک نموده و با حزب و دولت انقلابی خویش متحد و همبسته میشوند.

بهمین سلسله بیرک کار مسال منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر ۱۹ سنبله عده از نما یندگان مسال زحمتکش ولسوالی خلم ولایت سمنگان را پذیرفته و با ایشان در فضای آزاد دموکراتیک صحبت کردند.

دافغانستان د خلك دموکراتیک گوند دمر کزی کمیته دعو مسی منشی دافغانستان دیمو کرا تیک جمهوریت دافغانی شور در رئیس

نوصد ر اعظم بیرک کار مل لخوا د افغانستان دخپلواکی دبیر به خیمو دیو شپیتمی تا لیزی له امله درینام دسو سیالیستی جمهوریت دجمهور رئیس دمر ستیال ندو ین هو تو اودوینام دسوسیالیستی جمهوریت دصدر اعظم فان وان دو ددمبارکی دتیمکرام مو نو په خواب کی دمنشی تیمکرام ددوی په نامه ها نوی ته مخا بره شو یدی.

دافغانستان د خلك دموکراتیک گوند دمر کزی کمیته دعو مسی منشی دافغانستان دیمو کرا تیک جمهوریت دافغانی شور در رئیس اوصدر اعظم بیرک کار مل لخوا دافغانستان دخپلواکی دبیر ته اخیستلو دیو شپیتمی تا لیزی له امله دکیمو چیا دژغو زنی له پاره ای متحدی جیبی در رئیس اودکیمو چیا دخلکو دشورا در رئیس هنگه سامرین دمبارکی دتیمکرام په خواب کی دمنشی تیمکرام دده په نامه پنوم ین ته مخا بره شویدی.

از طرف بیرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تیکرام تبریکه بمناسبت سیو ششمین سالگرد انقلاب سو سیالیستی بلغاریا عنوانی تودور ژیفکوف منشی اول کمیته مرکزی حزب لوی جمهوریت و رئیس شورای وزیران جمهوریت مردم بلغاریا و استانکو تو در زوف رئیس شورای وزیران جمهوریت مردم بلغاریا به صوفیه مخا بره گردیده است.

از طرف بیرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تیکرام تبریکه بمناسبت سیو دومین سالگرد سیوین جمهوریت دموکراتیک مردم کوریا عنوانی کیم ال سو نک منشی عمو می کمیته مرکزی حزب کارگران کوریا و رئیس جمهوریت دموکراتیک مردم کوریا به پیا نکیا نکست مخا بره گردیده است.

دافغانستان د خلك دموکراتیک گوند دمر کزی کمیته دعو مسی

منشی دافغانستان دیمو کرا تیک جمهوریت دافغانی شور در رئیس اوصدر اعظم بیرک کار مل لخوا دیوینام دسوسیالیستی جمهوریت دمر ستیال ندو ین هو تو اودوینام دسوسیالیستی جمهوریت دصدر اعظم فان وان دو ددمبارکی دتیمکرام مو نو په خواب کی دمنشی تیمکرام ددوی په نامه ها نوی ته مخا بره شویدی.

دافغانستان د خلك دموکراتیک گوند دمر کزی کمیته دعو مسی منشی دافغانستان دیمو کرا تیک جمهوریت دافغانی شور در رئیس اوصدر اعظم بیرک کارمل دسنبله سی په (۱۶) نیتسه دسلا مخا سی په تالارکی دکا بل بنیازد روشنفکرا نو داستا زو په ستره غو ننه کی تپون وکړ او یوه اوږده وینا یی وکړه.

تحت ریاست بیرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوریت دافغانستان دیمو کرا تیک خلق افغانستان در ۲۹ امد جلسه شورای وزیران در مقر شورای انقلابی دا یرگردید.

شورای وزیران در ین جلسه در باره موضوعات شامل اجندا غور نموده تصامیم لازم اتخاذ کرد.

دربین شماره

حزب و دولت معتقدند که در شرایط کنونی وظیفه روشنفکران ملی و وطنپرست است تا در صفوف مقدم مبارزه بغاظر اعمار جا معه مرفه و سعادت مند قرار داشته باشند.

«ببرک کارمل»

شنبه ۲۲ سنبله ۱۳۵۹، ۱۳ سپتا مبر ۱۹۸۰

گردد هم آیی روشنفکران

به پیش به سوی نور، بسوی روشنی و دانش.

سلسله گفت و شنود های اختصاصی
ژوندون در میز گرد.

ریاکاران، منافقان و مدافعین کذاب اسلام
رسوا تر می شوند.

پوستر وسیله بی قوی و موثر.

خله روانی تمدد اعصاب.

ابوعلی سینای بلخی فیلسوفی که آثارش
در لابلای قرنهای جاویدان خواهد ماند.

سیلنی هنرمند آواره.

دعالم مرینه.

تحقیقی مختصر گونه در پیرامون حی بن
یقطان ابن سینای بلخی.

«یکروز در انتظار» یک داستان کوتاه.

کفتران زیارت.

روی جلد: فوتوی هما نطاق و آواز خوان
محبوب رادیو تلویزیون.

شد و مردم ستمدیده ما از تحسنت
استبداد طراز امینی رها یی یافتند
یکبار دیگر مردم ما نفس براحت
کشیدند و این امید بد لهار و -
شنفکران و عنا صر منور ما جوانه زد
که بعد از این میتوانند در جهت
آبادانی و شکوفانی کشور عزیز
خود وظیفه انسانی و رسالت تاریخی
شانرا ایفا نمایند. زیرا دیگر
روشنفکران و عنا صر آگاه ما
بخوبی درک کرده اند که دولت
مردمی ما زمینه هر گونه خدمت و
سهمگیری صادقانه روشنفکران
و وطنپرست و واقعی را فراهم نموده
است تا در یک جبهه ملی پدر وطن
بسمیج گردیده و در جهت نوسازی و
عمار یک جا معه رفاه و آسایش و
فارغ از هر گونه رنج و عذاب و تفل
وت های اجتماعی مسوولیت تاریخی
و انسانی خود را انجام دهند.

پس به روشنفکران ما است که
در این مرحله حساس تاریخی که
دشمنان وطن و انقلاب با
تخریبات ویرانگری ها، ترور و
اختناق و انواع گوناگون توطئه ها و
دسایس سدر اه انقلاب میگردند
و جلو پیشرفت و ترقی کشور ما را
میگیرند بی تفاوت نبوده و تماشاکر
این همه وقایع و حوادث تراژیک
که امپریالیزم و عمال مرتجع وابسته
به آن با لای مردم بیچاره و بی دفاع ما
روامید دارند باشند بلکه شرایط
حساس تاریخی کشور ما حکم میکند
که همه وطنپرستان آگاه و روشن-
فکران خبیر ما که آرزوی خدمت
به میهن و مردم خود را دارند بشور
حزب و دولت متسرقي خود جمع
شوند و تمامو کامل ضد انقلاب و
دشمنان وطن و مردم مبارزه نمایند.

نچه ببرک کارمل منشی عمو می
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان رئیس شو رای
انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو-
کراتیک افغانستان در بیانیه تا-
ریخی شان در جلسه بز رگست
روشنفکران چنین به موضوع اشاره
کردند: «... این اشتباه است که
ما ادعا کنیم این تنها و تنها حزب
دموکراتیک خلق افغانستان بوده و
هست و خواهد بود که می تواند
مردم کشور را از تحت پنجه های
خوینظلم و ستم فئودالی و دشمنان
نجات داده و امید هد و یا خواهد داد
بلکه قلاوت اساسی، قدرت مردم
قدرت خلق است و بخصوص این
تمام روشنفکران انقلابی و وطنپرست
است که وظیفه عظیم تاریخی رهبری
ورهنمای خلق را از لحاظ تاریخی
بعهد داده اند».

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور
همه روشنفکران، باعشق و وطن پر-
ستانه و قلب مالا مال از آرزوی خدمت
بمردم بادولت مردمی خود همکار
شده و در جهت تحقق آرمانهای و-
لای انقلاب سهم قابل ملاحظه ای
گرفتند مگر متاسفانه که امین این
نوکر وفا دار امپریالیزم بادیست
تنگ نظرانه و شیوه فاشیستی همکاری
و اشتراک مساوی عنا صر روشنفکران
و وطنپرستان ملی ما را تحمل نکرده و
هر کجا روشنفکری را دید سرکوب
کرد و هر کجا دانشمندی را بچنگ آورد
بزدان افکند و هر آنکسی را که
آرزوی خدمت صادقانه بشکورش
داشت سر به نیست و تار و مار کرد.
خوشبختانه بعد از پیروزی مر-
حله نوین تکاملی انقلاب شور که
انقلاب از شکست حتمی نجات داده

اگر تا ریخ تحولات و تغییرات
جوامع بشری را مطالعه کنیم و اگر
تا ریخ نهضت های رهای بخشش
جهان و مبارزات آنها را در جهت
بر انداختن ظلم و بی عدالتی و محو
استعمار و استثمار بررسی نماییم
اگر انکشاف و پیشرفت و ترقی و
تعالی ملتها را از زیا بی نماییم بو-
ضاحت در می یابیم که در ی-
تغییرات و تحولات و انکشاف و پیش-
رفت جوامع بشری، روشنفکران نقش
خلاق داشته و حرکت چرخهای
تکاملی تا ریخ را سرعت بخشیده
اند.

حقیقتا روشنفکران سر ما یسه
معنوی یک جا معه بوده و نقش آنها
در بیداری توده ها و رهبری افکار و
سوق آنها در جهت ترقی و تعالی
و تغییرات و تحولات اجتماعی انکار
ناپذیر است.

اگر ما نظری بنابر ریخ جنبش های
آزادیخواهی و مبارزات سیاسی
کشور عزیز خود با کنیم می بینیم که
در همه این حرکات، روشنفکران ما
اعم از دانشمندان، استادان، روحا-
نمون و وطنپرست، نویسندگان، شاعران
هنرمندان و غیره اقشار منور نقش
رهبری کننده را داشته و در جهت

تنویر و بیداری و بسیج توده های مردم
علیه همه مظالم عقب مانده گی،
بی عدالتی و ناسامانی های اجتماعی
و وظیفه انسانی و رسالت تاریخی
شانرا انجام داده اند و با کار و پیکار
و مبارزات خستگی ناپذیر همین
روشنفکران مترقی بود که زمینه سقوط
دولتهای پوشتالی سلطنتی در کشور
مأمبیا گردیده و انقلاب شکوهمند
شور به پیروزی رسانیده شد. چنان-

سلسله گفت و شنود ها و نشست های انتصابی ژوندون در میزین

مسایل

سیاستی و اجتماعی ، فرهنگی و

هنر ، نوجوانان ، جوانان و خانواده ها

در زیر ذره بین نقد و انتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون

یک بررسی همه جانبه از:

علل کمبود ادویه در بازار و مروری بر دشواری مردم در زمینه های بیماری و بیماری داری

خانواده ها

دختران ، پسران ، مادران ، پدران دست نگهدارید - ورق نزنید !
ژوندون یکبار دیگر غوغا بر انگیز قرین مسایل رابه جدل میا ورد .

گزارند .

طرح و بر رسی این مسایل مو مو ع
جدل آینده ما در نور سخن ژوندون است و
ما از همین اکنون از همه شما خانواده ها
می خوا هیم گفتنی های خود را در بن زمینه
به تیلن ۲۶۸۴۹ ژوندون با ما در میان
گذاردید و اگر خوا ستید خود را برای شرکت

در این جدل آمو زنده هم کاندید کنید .
تیلن ۲۶۸۴۹ همه روزه از ساعت ۸ صبح
تا ۵ عصر در خدمت خانواده ها ژوندون ،
تربیت خانوادگی خود را در اختیار همه
کسانی قرار مید هد که برای پیود روابط
اعضای خانواده با هم سخنی برای گفتن
دارند

شما عروس ها
شما خشو ها
و شما جوانان و سا لمندان
بما بگو یید :
انگیزه این همه تا ساز گاری خانوادگی
چیست ؟
آیا عروس ها در محیط خانواده عدت نمایی
می کنند ؟

و یا خشو ها تا ساز گار میباشند ؟
آیا جوانان در روابط خانوادگی واجتماعی
خود بدون در نظر داشت شرایط و امکانات
راه افراط در پیش دارند ؟
و یا اینکه :
سا لمندان نمی خواهند خود را با شرایط
زمان وفق دهند و خواست جوانان را احترام

این جدل با شرکت :

- ۱- دکتر سیدالف شاه غضنفر رئیس امور فارسی وزارت صحت عامه
- ۲- دکتر محمد آصف غروال رئیس طب معالجوی وزارت صحت عامه
- ۳- دکتر غلام رسول غیالی رئیس بررسی و قوانین صحت وزارت صحت عامه
- ۴- پوهاند دکتر احمد شاه رشاد روشن استاد پوهنتون کابل
- ۵- دکتر سبحان هاتفی سرپرست تعلیمات صحت و نشرات وزارت صحت عامه
- ۶- محمدزمان نیکرای معاون مجله ژوندون
- ۷- عزیزالله مرموز عضو گروه مشورتی ژوندون
- ۸- حفیظ رهجو سرکترمسوول روزنامه انیس
- ۹- ماری سعادت منگل مدیر خبرنگاران روزنامه هیواد
- ۱۰- لیلما حسینی نماینده رادیو تلویزیون
- ۱۱- عطا مراد ایماق نماینده روز نامه کابل نیو تایمز
- ۱۲- آمنه امان نماینده مجله قندهار

دایر شده بود .

راحله راسخ خرمی :

دوا خانه های نو ساز ممکن است چنین باشند ، اما بیشتر دوا خانه های کشورها برای دوا فروشی ساخته شده اند که مسا یسل فسی در بود به نیر و حرارت و نگهداشت دوا در آن در نظر گرفته شده باشد بلکه غا لباً دکان های آفتاب رخی می باشند که می بینیم دواها در الماری های مقابل آفتاب چیده شده اند .

پوهاند روشن :

نور و حرارت بالای دوا تأثیری نا مطلوب دارد و متأسفانه حتی دواخانه های نوساز ما هم فاقد ارزش های تخیکی میباشد که مثال زنده آن در همین مورد دواخانه مکروریان است که از دوست آفتاب برآمد و آفتاب نشست ، رخ به آفتاب میباشد .

دکتر غروال :

ما متأسفانه این معضله وجود دارد و ما در ولا یات کشور شاهد شرایط نگهداری خراب تر از این هم میباشیم که البته باید برای اصلاح آن اهتمامی به وجود آید و اقداماتی صورت گیرد .

رووف راصع :

در زمینه مسایل مربوط به انویه و دشواری های مردم نکته های ضروری به بیان آمد و مشکلات بیماران تا حدی تحلیل شد اینک از شرکت کنندگان چند تقاضا دارم در صورتی که سخنی تازه برای گفتن نداشته باشند نظرات خود را پیرامون چگونگی راه های حل این معضله هنگامی به بیان آورند و در این نظر دهی که خواهش میشود مشخص و فشرده باشد شرایط عینی جامعه وامکانات فنی و اقتصادی شعب مسؤول را نیز به یاد داشته باشند ، در واقع ما به دنبال طرز العمل هایی میباشیم که تا تمر دهی پروژه های دراز مدت که حجم مشکلات را به صورت اساسی کوچک می سازد ، بتوانیم اصلاحاتی را در توری دوا ، توزیع دوا ، تولید دوا و کنترل قیمت های دوا و جلوگیری از قا یابی دوا در بازار به وجود آوریم .

دکتر حبیبی :

به نظر من یگانگی راه حل معضله های مربوط به دوا همکاری صمیمانه و بی آلا یش تجار و مردم با وزارت صحت عامه است . تجار باید در توری دوا انویه جنریک سهم بگیرند و ملی بودن خود را ثابت سازند و امور فارمی هم با ارائه پیشنهادات مشخص به ریاست تصدی های وزارت ما لیه و ارائه دلایل مستند میتواند قیمت برخی از اقلام دوا توری خود را که گرانتر از نرخ اصلی به فروش میرسد پائین آورد .

لطفاً ورق بزنید

یکی از دلایل کمبود برخی از اقلام دوا در بازار هم همین است که ما انویه یی را که باید در شرایط سرد نگهداری شود در به انویه فروشی های که یخچال ندارند توزیع نمیکنیم .

و نکته دیگر در مورد سوال شما این است که حرارت تأثیر دوا را کم میکند اما هیچ وقت دوا را به زهر هم تبدیل نمی کند .

راصع :

به قول شما حد اعظم در چه حرارت در نگهداری تمام اشکال دوا نباید از بیست و پنج درجه سانتی گراد تجاوز کند ، در حالیکه در این فصل سال و در ساعات چاشت حرارت داخل هر دوا خانه آفتاب بخی بیشتر از سی درجه سانتی گراد اندازه شده میتواند .

در این صورت درست است که بیمار به جای دوا زهر نه خرد اما آنچه که برای خریدش پول میپردازد دوا هم نمیباشد و تا نیری چندین درجه معالجه اش ندارد . برای رفع این پرابلم شعبه مسؤول چه تجاویزی گرفته اند تا حد اقل اگر مصرف کننده دوا را چند برابر گرانتر از نرخ واقعی آن خریداری میکند ایمن اطمینان را هم نداشته باشد که دوا خریداری شده در بهیودی اوتائیری مثبت دارد چه در شرایط فقر اقتصادی حاکم در جامعه ما بیشتر مردم در واقع پول نان خود و کودک گرسنه خود را صرف خرید دوا می کنند و حیف است که این پول هدر رود و یا اینکه از آن حد اکثر استفاده در تداوی به عمل نیاید .

دکتر غضنفر :

تفاوت در چه حرارت در شب و روز مانع میگردد که گرمای دوا به حدی برسد که موجب تخریب آن گردد ، یعنی در درجه پائین گرمای شب دوا در حدی سرد می شود که گرمای نیم روز تا بستان در چه حرارت را از ۲۵ درجه افزون نمائند .

راحله راسخ خرمی :

بیشتر دوا خانه های ما آفتاب رخ است و در گرمای تابستان بیشتر از سی درجه حرارت دارد ، و دوا های شب های تابستان هم سرد نمیشد که در چه حرارت را به آن گوئیم که شما تلفی می کنید پائین آورد ، درین صورت بدون شک هر دوا مقداری از تأثیر خود را از دست میدهد .

دکتر غضنفر :

ما ختمان دوا خانه ها طوری است که از همه جهات خود آفتاب نمیگیرد .

شان مخصوصاً آنی یو نیک ضد میکروب و بی ها را همه روزه بدون اجازه دکتر مصرف و استعمال می کنند که همین موضوع موجب شده است بیشتر مصرف کنندگان در مقابل دوا های آنی یو نیک مقاوم بیابند و در موقع ضرورت دستور مجبور شود استعمال ضد میکروبی ها را به پیمانه وسیع و حتی بیشتر از دوزج های اعظمی توصیه کند و باز هم نتیجه مطلوب را نگیرد ، برای رفع این دشواری واقع

عزیز الله مرموز :

تجار هیچ وقت برای کاری که نفع مادی برای شان متصور نباشد به دولت مراجعه نمی کنند ، این دولت است که باید زمینه های مساعد را فراهم آورد و تاجران ملی را تشویق به سرمایه گذاری های مفید کند . البته پرابلم هایی که مادر امور اجتماعی خود با آن روبرو هستیم در پرابلم های کهنه ی میباشند که از شرایط نا شایسته گذشتہ برای ما به میراث مانده اند و ما باید باحد اکثر استفاده از حد اقل شرایط

وامکانات خود بکوشیم یک، یکی دشواری ها را از میان برداریم و خدمات اجتماعی خود را با نواصی کمتر به مردم ارائه دهیم . ما باید بجای پنهان داشتن نارسایی ها شهادت

تعلیفات و سیع ، گسترده و همه جا نه و دوامدار صورت گیرد ، و مشکلات در یک فضای صمیمانه به طرح آید و راه حل آن کاوش گردد . باید تماس هایی با عمده فروشی های ادویه برقرار گردد و مشکلات آنها تحلیل گردد و با از میان برداشتن آن زمینه همکاری شان با وزارت صحت عامه در یک سطح وسیع فراهم آید .

دکتر هانفی :

ما اشتباه می کنیم اگر با نگاریم که مشکلات صحتی و طبی مردم در کمبود مواد یا داکتر خلاصه میگردند مشکل واقعی عدم آگاهی صحتی مردم و موجود بودن زمینه های تبلیغات صحتی گسترده و افغانی است . شمول برای مردم است ، اگر ما چنین

پشت بیرون بکنیم تا تمام نسخه های خود را جتريک بنویسند به این صورت بدون شک جلو گیری از قاچاق مواد نیز ممکن پذیر میگردد چراکه دواي جتريک به حدی ارزان است که نوريد غير قانونی آن برای قاچاقچران سود چوی نفعی ندارد و طبیب پروژہ جنر يك نیز انازه مصرف هیچ نوع ادویه پشت را نمیدهد .

لیلما حسین :

به نظر من نه تنها راه حل معضله دوا بلکه راه رفع تمام مشکلات و معضلات در سطح ملی در یگانگی عمل وحدت عقیده و تفاهم و توافق درایسن اصل است که هر فرد از مقداری منافع خود به خاطر مدفع عمومی چشم ببوشد و مسایل ملی واجتماعی را مقدم بر منافع خود قرار دهد ، که برای

یاد آور میگردد که هدف ژوندون این مجله تمامی خانواده های کشور از راه اندازی این جلد ها به بیان آوردن مشکلات مردم از زبان مردم است و در جریان گذاشتن ارگان های مسئول به خواست های مردم و نیاز مندی های مردم ، مادر واقع فکطمی نمایا نیسم ، نشان میدهم و میگویم تا فاصله ها را از میان برداریم و زمینه های مساعد را برای حل مشکلات به کوشش گیریم نه آنکه گفته های ماجنبه شخصی داشته باشند و یا در افشاء گیری های خود ذهنی گرا باشیم ، ما با یقین رسالت اجتماعی و مطبوعاتی خود این را و جبهه خود میدانیم که دشواری های همگان را مردم را به طرح آوردیم بدون شک این گفتن ها سازمان ها و ارگان های رسمی و غیر رسمی



نمایی از میز گرد ژوندون که پیرامون مشکل کمبود ادویه در شهر دایر گردید

اعتراف را در خود پیر و رانیم و مشکلات را با مردم در میان گذاریم و کمک آنها را جلب کنیم و از سوی دیگر همکاری و توافق و هم آهنگی را در میان ارگان های دولتی بوجود آوریم و اگر نه فقط با گفتن ها هم هیچ مشکلی راه حل نییابد .

دکتر غروال :

دولت میکوشد طلبا بت رادر کشور ملی بسازد و این راه حل قطعی پرابلم های مربوط به بیماران است برای از میان برداشتن دشواری های دوا باید پروژہ جنریک مو رد حمایت دکتران ، کارکنان صحت عامه و همه مردم قرار گیرد برای آگاهی دهی به مردم در زمینه مفیدیت های پروژہ جنریک بساید

تبلیغاتی داشته باشیم و اگر ساحه تعلیمات صحتی را پنهان دهیم بدون شک با بلند رفتن سطح آگاهی و فهم مردم در مسائل صحتی مشکلات حل میگردند من اقدام وزیر نامه ژوندون را در راه اندازی این جلد و تقاضای ستایم و معتقدیم که همه مو سمحات نشراتی ما باید از چنین مشی پیروزی کنند ، باید پیام های صحتی با استفاده تمام وسایل ارتباط جمعی به مردم رسانیده شود . این راه حل اساسی موضوع است .

رهجو سکرتر مسوول روزنامه انیس :

یگانه راه حل دشواری تطبیق کامل پروژہ جنریک است ، ما باید دکتران خود را از زیر تاثیر زرق و برق های اغوا گر ادویه

بوجود آوری چنین شرایطی بساید از تمام امکانات استفاده برد و باید نشراتی بر محتوا متداول و گسترده را پراه انداخت . مطبوعات ، رادیو و تلویزیون از نظر نقش

در گذشته های دور که طبیعت با تمام قدرت بر انسانها حکومت می راند مشکلات زندگی به پای سر توشت گذاشته می شدند

و هر کس خود را ملزم به تحمل آنها می دانست ، اما از روزی که بشر دست اندر کار مستحکم ساختن مو قف خود گردید با واقعیت شگفت انگیزی مواجه شد که اصلا تصور آنها هم نمیکرد . و واقعیت این بود که دید در ازاء هر مشکلی که به حل آن می پردازد لا اقل یک مشکل جدید مواجه می شود ، به عنوان مثال اگر تکنولوژی مدرن و چرخ های صنعت روز به روز همه گیر تر و سریع تر می شود انسان به آلودگی هوا درگیری پیدا می کند . این

جا بود که دیگر نه میتوانست مشکلات خود ها را به پای سر توشت و طبیعت بگذارد . انسان امروزی نه تنها به مشکلات محیط

زیست ، رفاه اجتماعی ، آلودگی های محیطی می اندیشد بلکه قسمت زیاد از وقت اوصری تعقیق در نا را حتی های درونی اش مشغول محرومیت ها ، ملالت ها ، اضطرابات ، مشکلات ازدواج ، روابط جنسی و کمبود ها میگردد .

اگر محیط زیست انسان محدود به خود او و خانواده اش می بود و در یک منطقه ی دور افتاده زندگی میکرد شاید میتوانست جواب بعضی مسائل مغلق را پیدا کند و به رفع مشکلات خود بپردازد . اما روابط اجتماعی مردم آن چنان گسترش یافته است که دشواری های هیچ کس جدا از مسائل دیگران نیست . و در نتیجه راه حل آن به قدری پیچیده و پفرنج درآمده است که گره گشای آن افراد متحرک اند و پس .

جریان زندگی پر سر و صدای امروزی که برای روان ما آزار دهنده است ، بیماری های را به میان میآورد که این ها را میتوان بیماری های نو امروزی گفت . عبارت از این ها بیماری های تمدنی اند . گویانکه دانشمندان حتم دارند که اگر بیماری های روانی چون نیروزس (خستگی اعصاب) مهار نشوند ، انسان در وضع ، روحی قرار خواهد گرفت . گروه های زیادی از اطرافیان ما شاید تلاطم بیمار گو نه این بیماری ها را بروز بد هند . خوش بختانه طب نو به یاری این چنین افراد شتافته است .

البته این امراض بوسیله روش های گونه گون مداوا و درمان می شوند که هر شیوه تلازمی به خصوص دارد . برای درمان هیجانات ، بیدار خوابی ها و درگیری های روحی به شیوه مداوای خود وصل باید کوشید و این افراد محسوس است که باید نا آرا می ها و روان پریشی ها را از خود دور کنند تا اینکه دیگران به کمک ایشان بشناسند اما این کار خیلی دیر است .

امروز بدن ما انباری از دوا های کیمیایی شده است . بناء انواع قرص ها همه معلول های بدن ما را اشباع کرده است ، حلقه های طبی با در نظر داشت این مسائل می خواهند مداوای دور از مواد کیمیایی به گمارند و با پیاده کردن شیوه های خود وصل و استفاده از مشوره های روانی و روانکاوی به گروهی از بیماری ها دست رد بگذارند ضمن آزما یشتات زیاد به یقین ثابت شده است که استفاده از مواد کیمیایی و حتی



تنظیم و ترجمه از : دکتر نصیراوی

از سپوتیک :

- برای شما برگزیده ایم

تمدداعصاب

...

آیا زیاده خواهی ها اعصاب ما را به آزار می کشند؟

هنر و مردم

به سلسله معرفی چهره های هنری

م ۲۰

سلینی هنرمند آواره...!

در سال ۱۵۳۸ اتهام زنده و ناگو - ماجراهایی برپا کرد و از محبس گر - اری به سلینی وارد شد. سلینی به یخت ولی سال بعد برای دو مین بار تهمت اختفای جواهرات پاپ به زندان کاخ سنت آنژ افتاد. در زندان بقیه در صفحه ۴۶



بنوا نوتو سلینی هنرمند نابغه، نقاش پیکره ساز زرگر معروف جواهر ساز دربار فرانسه در کتابی بنام (ویتا) به نقل رویدادها و تحولات زندگی خود پرداخته و ماجرای زندگی پر آشوب خود را به تفصیل شرح داده است.

او روز سوم نوامبر هزار و پنجاه و در شهر فلورانس ایتالیا بدنیا آمد. پدرش مصروف کار ساختمان بود سلینی پیوسته ذوق و علاقه ای به هنر و گراش عمیق به موسیقی از خود نشان میداد.

سلینی کار آموزی هنری را در کارگاه های معروف جواهر سازان و زرگران چیره دست آغاز کرد خیلی سریع پیشرفت نموده اما روحیه ستیزه جو و خلق و خوی نا سازگارش مصایب و بلاهای زیادی را بسر او آورد و سلینی نتوانست حتی تا پایان عمر این صفات و روحیات را ترک گوید.

سلینی همیشه نا آرام بود و ناگاه و ناگاه جنگالی برپا میکرد. بنابراین اعتراضات خودش سا لهای جوانی را تحت تاثیر این روحیه سپری نمود چون و لگدان و خافه بدو شان از شهری به شهر دیگر میرفت و در تشویش و نگرانی بسر میبرد.

در فلورانس نزاع میکرد و منته نزاع بالامیگرفت، گروهی مجروح میشدند و مسبب اصلی این نزاعها جز سلینی کسی نبود برای فرار از مجازات پاپ به گریزمینهاد. شهر بولونی برای سلینی خوش آیند بود در این شهر نیز هنوز چند

صبحی آرام نگرفته بود که باردیگر طبع تندو نا آرامش به بیقراری میپرداخت، نزاعی برپا میکرد و باز بشهر دیگری میگریخت و با این ترتیب بود که سلینی نقاش معروف و زرگر بی همتای قرن پانزدهم هرگز در یک شهر آرام نگرفت.

باز گشت سلینی به فلورانس، باصرار دوستان و هوا داران هنر، صورت گرفت در سال ۱۵۲۳ زود خوردی خونین درین شهر که به قتلها منجر شد باز دیگر سلینی را از این شهر راند. او به روم گریخت و در این شهر با نقاشانی که در زمان حیات رافائل با وی همکاری داشتند آشنا شد و در محفل آنها، رموزی را فرا گرفت.

استعداد شگرف سلینی در ایجاد اشیاء ظریفه و ریزه کاریهای اعجاز آور، توجه شدیدی کلمان هفتم پاپ ایتالیا را جلب کرد، سلینی به دربار پاپ احضار شد و فرمان مخصوص در باره وی صادر شد و دست به کار ایجاد آثار هنری ظریف شد.

سلینی در واقع تار یخی سال ۱۵۲۷ در گروه مدافعین کاخ «سنت آنژ» جای گرفت و پس از فروکش کردن غوغا، نظیر سایر هنرمندان ناچار به ترک روم شد... باز هم دوران سرگردانی و آوارگی... و بار دیگر شهرهای مختلف ایتالیا زیر پای سلینی قرار گرفتند. سلینی درین قسمت از زندگی خود بارها دستگیر شد ولی هر بار با نفوذ دوستان و هوا داران بی شمارش از مجازاتها نجات پیدا مییافت.

سمندر وټو اوبه له غرونو څخه سر-
چینه اخلی.
که دیوه نارنج په سر اوبه واچوو
وبه وینو چی او به هلته نه در پری او
توییری مخکه هم دنارنج په څیر
گرده ده خو اوبه یی لاندی نسه
توییری .

ټول سیندو نه منځ کښته پییری...
اوبه معمولا له لوړو سیمو څخه سر-
چینه اخلی. او به که په آوا ره سطحه
توی شی بیا هم د سطحی نسبتا ټیټی
خواته پییری .

او به له غوړ یو څخه ژر پیمړندل
کیږی . مثلا او به په دوی کی نه کنگل
کیږی پداسی حال چی غوړ پ ی که
په ساړه ځای کی کیښودل شی په
دوی کی هم کنگل کیږی . دزیتون
غوړی او بو ته ور ته دی. دژورو سیمو
ډنډی او ولاړی اوبه ناو لیبی اود
سمندر ونو اوبه تروی دی. له همدی
امله دڅښلو وړ نه دی . دسندو نو
اوبه پا کی دی . که تل نه وی دا اوبه
هم څښل کیدای شی.

داوږو څښاک څه گټه نلری . د
سړی سا په کیږی . دچایو. قهوی او
خوړو شرا بوڅښل ډیره گټه لری . له
اوبو څخه دوړلو ، را وړ لو اوسودا-
گری په چارو کی هم کار اخیستل
کیدای شی . دهغو هیوادو سوداگری
چی ډیری او به لری ښه پراختیامو
ندلی ده مثلا بخوانی فنیقیان او یو -
نانیان او او سنی انگلیسان . او به
مایع دی او څوک پیاده نه شی پری
تلاي . دغه شان لاروی ډو پیږی . په
طبیعت کی او به دباران په ښه له
آسمانه را وری . ددغه وړښت له امله
په مخکه کی خټی پیدا کیږی .

باران لو مری پرېا مو نو را وری او
دناوو له لاری دکو چنیو ویا لو
په څیر په مخکه پیږی . دباران په
وخت کی مشران چتری را اخلی او
پلا سټیکي بوټو نه اغو ندی خوړا-
شومان په کورو کی کینی او زړه یی
په تنک کیږی .

ژمی مهال باران په واوره بد لیږی
اوسا په ډیر پری . صا بون په اوبو
کی څک کوی که صا بون او اوبه
گډ سره وښوړی . داوږو په سر سپین
څک پیدا کیږی : که څوک د خو لو په
وخت کی او به وڅښی ناروغه کیږی .
ځینی هغه کسان چی لامبو وهی په
او بو کی ډو پیږی . پدی تو گه لیدل
کیږی چی او به په انسانی ژوند
اوطبیعت کی ستره ونډه لری لیزو
چکا .

چکا ، ته لیکلی وه . دمقالی تر لو-
ستلو ورو سته په خپل کار راضی
شوم . ځکه چی هغه دڅلو رم ټو لکی
دیوه زده کوو نکي په سو په لیکل
شوی وه . زده ما شو ما نو په سا-
پوهنه لږ پوهیدم . یوی دو ولس
کلنی جلی ته دصا بون څکک تر-
فنیقیانو ډیر ارزښت لری له همدی
امله می تمدن ته د او بو د خدمت
پرځای دصا بون دسپین څکک
یادونه ښه وبلله .

ما دا خبره هم یاد ولای شوای
چی شرا بتر او بونه ښه دی . خودا
کار می ونه کړ . ما په خپله مقاله کی
هغه څه نه ویا د کړی چی دڅلور م

ټولگی یوزده کوو نکي نه پری پوهیږی .
خوپه هغوشیانو چی ما لیکلی وود
څلورم ټولگی یوزده کوونکی ورو مرو
پوهیږی نه پوهیدم چی له دغه معلم سره څه
وکړم ؟ ماویل چی دغه معلم با ید په
خپله ددغه مو صوغ په هکله دیوه
دوولسی گڼ ماشوم په سو یسه
مقاله ولیکی . دغه معلم ولی زما لورته
صفرور کړی دی ؟ ډیر خواشینی
شوم او فکر می وکړ . چی دغه معلم
ماته په سپکه ستر گه کتلی دی . ځکه
نود معلم کتنی نه ور روان شوم .
معلم ډنگر سړی و چی اوږ دمخ
او جکه ونه یی در لوده . ما ور ته
وویل :

معلم صا حب... زه . داو بو او
به انسا نی ژوندانه او طبیعت کی د
هغی دوندی دمقالی لیکوال یم چی
لیزوچکا تا سو ته سپار لی وه .
معلم عصبی شو :
خجا لت وپاسه چی پدی کار
اعتراف کوی !

ښښه غواړم ، زه ددی له پاره نه
یم را غلی چی دخان په باب له تاسو
سره خبری وکړم . زه با ید پوه شم
چی تاسو ولی ، لیزو چکا ، ته صفر
ورکړیدی ؟
م

(دخو شحال خان شعر د سبک او اسلوب له پلوه له نورو شاعرانو سره د محتوی او بڼې له کبله د پورتو پیر لری چی که سړی وړ سره ښه پیژندوی شی دده د شعر لار او د مطلب پو هون د نورو شاعرانو د شعر لار او د مطلب له افا دی څخه پیژندلی شی .)

« دخو شحال خان په عشقی سندرو کی حما سی رنگ ډیر غلبه لری او دده په اشعارو کی دوه څیزو نسه (عشق او حماسه) داسی گڼو ن لری چی سړی یوه خوا په بله باندی سپکه یادرنده نشی گټلای او دوا په دشییدو او خو ږی په څیر سره گډ شویدی لکه:

توره چی تیر پری خو گوزار لره کنه

زلفی چی ولول شی خو خپل یار لره کنه

یادا چی وای:

که زه نه وای تا به خان لره بلل څوک

په پالنک بهدی دا هسی در ختل څوک

واړه عشق دی چی یی سر راته گیاه کی

گڼه زه به خان مین دسر ښیندل څوک

دخان په هکله داسی وایی :
چی باز یه په جهان کړم هغه زه یم
هم یسی یو سم هم تری اوسم اړی نه یم
و اغیار ته لکه کانی ، قوم و یار ته
په سختی او په تر می کی هغه زه یسم

یادا چی وایی:

د تورو په میدان کی چی سودا وی دسرو نو

هغه زمان می گوره تل به سړو وی زما آس

که لا فی د کوز یه د هسکی و هم باور کړه

تر تورو خاورو کوز یم تر آسمانه یم لایا س

ښځه داسی ستایی :

ښځه یو یه هو سنا که خنده رویه مېر جنه

پاکیزه زیست و روزگار کی به ښه بوی باندی مینه

له نیکانو همنشین له بدا نو په زړه خو پینه

له موروالی یی توبه کاکه یی موروی درو غجنه

دمیله په کار حاضره په پخوالی بهادره

حق دجاری به خای راوړی به رنځور باندی بوښتنه

نقاد خو شحال خان:

شحال خان فن

دخو شحال خان په اشعارو کی انتقا دی بر خه هم ډیره در نده ده. دده خپل وخت او لیز پیر او اخوا لوت به زور تیا کتلی دی او کو می نیمگر تیاوی یی چی په اشخا صو او کا مونو کی لیدلی یو یویی بر بند کړی او د حق ویلو به خای کی پته خو له پاتی شوی نه دی. بی عمله شیخان، بی عمله غا لمان او ریا کارزا هدا یی ډیر رتلی دی ، بدی خوا ره، غورما- لان او په پیسو مین وړ سترگی خلک یی په کلکه غندلی دی .

دخو شحال خان په اشعارو یو نظر

دخو شحال خان اشعار چی په پښتو ادب کی ډیره لویه اودرنه پانگه دده ادبی نقد او څیړ نی له کبله د ډیر و لیکنو ارزښت لری او ان داچی باید کتابونه یی ولیکل شی او د خوشحال پیژند نی لوی ښوونځی باید برا نیستل شی .

(دده په اشعارو کی د پښتو ژبی د بیلایلو لپخو او محاورو اودهری خوا نا پیژندوی لغتو نه مو ندلی شو او همدا شان دنورو ژبو لغات پکی ډیر پیدا کیږی .

دالفاظ او کلماتو ډیره پروایی نده ساتلی او هر لغت که خپل دی یا پردی چی په هر خای کی پکار شوی ورڅخه یی کار اخیستی او کله کله یی دیوه لغت هډو کی هم مات کړی او په یوه خای کی یی په وچ زور ځای کړی دی .</



سلام علیکم خوانند گان و همکاران عزیز
به صحبتندی و سلامتی شما میسر دهم
به جواب نامه ها :

دوستان عزیز خالده راهیاب ، قایا ، مهری
نادیه ، مهر جو ، عصمت جو ، مهرام رف
سمیا و ش ، جمیله ، صفیه ، اورانوس ، برینا
عیاد و بیست نفر دیگر که نام شانرا می
دانیم ، از فاکولته ادبیات .

بپذیرید سلامهای پر از صفا و صمیمیت
مارا . «چه عجب شد که یاد ما کردید» و
چه پسندیده کاری نمودید که گوشه چشمی
به مجله خویش افکندید و مسوولیت و
رسالت خویش را صحنه گذاشتید . ما همین
انتظار را از شما داریم و پیوسته و همیشه
آرزو میبریم که قلم رد یا قایید و یا هر دو
به کار ما بکشید و مارا از کار ما آگاه
سازید . و به سخن سعدی تا متکلم را عیب
نگیرند ، سختش صلاح نپذیرد ، کار مطبوعه

عانی و روز نامه نگاری ما هم صلاح نمایی
پذیرد . از نظر محققانه شما سبب سکتاریم
ولی این چند نکته را با هم در میان می
گذاریم و به کنکاش میگیریم : چگونه می
توانیم صفحات شعر و جوانان را از ایشم
بیشتر و خوشتر ، رنگین تر و سنگین تر
بسازیم ؟ از شاعرانیکه شعر شان خوش
تان نمی آید ، دلایش را بگوئید و عیب
فی جمله را بشمارید و بما باز گو کنید که
از نشرش خود داری کنیم ، ولی هیچ نمی
دانیم که به چه برهان و دلیل شعر ایشان
را نمی پسندید آیا شعر شان فاقد خیال
انگیزی شاعرانه است ؟ آیا بافت و ساختمان
شعری ندارد ؟ و یا شعر شان عریان مسرور
تو چه شما ، از صور خیال خالیست و از
اوزان شعری به دور ؟ و این نکته هم به تد کار
رود که شاعران عزیز ما را به محترم
یاد نکنند بلکه به پیش نام شان کلمه محترم
می آید . چنانکه در مقابل نام شما عزیزان
محترم می نویسند که از نظر دستور زبان
دری «محترمه» نویسی غلط مشهور است که
باید از نوشتن آن پرهیز کرد و به شما
باید نوشت محترم خالده راهیاب و به ایشان
هم نوشت محترم

و آندیکه هم مردینه است نه خاتم و دختر ،
و گفت بگذارید که همان مشت پو شیده و
هزار دینار بماند .

عجا لئا گشایش باب و فصلی در زمینه
اقتصاد و فلسفه ، در مجله ذوقی و خانوادگی
چون ژوندون میسر و مقدور نیست ولی در
عوض ، مطالب مورد علاقه شما جستجو و
گریخته در صفحات دیگر مجله به نشر می
رسد ، که اگر بخوانید و بخوانند قرشی
بر می گیرید و بر می گیرند که خوش

این .

دوست عزیز حقیق و امق

شعر شما را بر خواندیم بخونید :
نوجون تر کس - و چون سوسن - مسرا
دیونه میساری - و چون خورشید قبابی -
به شام قلب من افسانه میساری - ترا هر تر -
نادر پاییزی در موسم کلبا - ز خا طر
می برم ای مه - ترامن در سفر ها در دلم
دارم - ترا من در سفر ها در دلم دارم ..
و دعا میکنیم که «قری» شما در سفر و
حضر در گوشه قلب قان سنجاق گردد نه از
افسانه جدایی نجات یابید . به این امید
خدا حافظ

دوست عزیز محمد انور خاخی معلم صمد
یازدهم لیسه لشکر گاه

به سلام شما ، سلام میگوییم و صبح
سلامتی شما را آرزو میبریم . گفته اید ،
که «لیلیا» رحیم زی ، محمدحسین را به
ناحق مورد انتقاد قرار داده است ، نخست
باید گفت هر کس میداند مفکوره و نظری
و بعد لیلیا جان متذکر شده که احمدظاهر
در بین ما نیست و ظاهر هویدا هنر مند
نظیر است . باید گفت که ظاهر هویداهنر
مند محبوب است اما نمیشود که بر احمدظاهر
انتقاد گرفت ... بهر صورت هیچ کس این
هنر مند و هیچ هنر مند یک هنر مند را
در صورت عدم و مورد بی لطفی قرار ندهد ،
بسیار خوب بدیگران میگوییم که خاموش
باشید حرفگیر آمد .

دوست عزیز ، عزیزه معلم مکتب بی بی شمسو

پاسخ به صفحه مسابقات را به متصدی
آن سپردیم ، امید داریم که موفق به حل
درست آن شده باشید .

دوست عزیز محمد عمر منصور وزیر
اطلاعات و کلتور

نامه فرستاده شما به داره رسید ، بخونید
«مصاحبه های که در مجله ژوندون با حسن
مندان صورت میگیرد سبب محبوبیت بیشتر
این مجله میگردد ، خدا کند این سلسله
به همین منوال دوام کند . در شماره (۱۷) و
(۱۸) مجله ژوندون مصاحبه می داشتید با
استاد مپوش ، راستش را بگویم من به او
استاد مپوش علاقه زیاد دارم ، چنانچه همین
حالا دو کست آن نزد من موجود است و بعضی
اوقات با شنیدن آن لذت می برم ، وای
استاد مپوش در قسمتی از مصاحبه خویش
در مورد قان شناس آواز خوان خوب ماجنیر
تذکر داده است «در مورد قان شناس به
صراحت میگویم که وی اصلا آنطور ...
دیگران درباره وی قضاوت میکنند آواز خوان
ناپ نمی باشد» در موسیقی سور ، لسی و
کیف مطرح میباشد و این ها را قان شناس
ندارد بسیار جای قاصف است . این حقیقت
مسلم است که قان شناس آواز خوان محبوب
مردم بوده و تعداد زیاد هو طنان ما به آواز
او علاقه مفرط دارند و گفته میتوانم که اگر
رای گیری شود ، مپوش جان نمی تواند از
وی سبقت بجوید ، قان شناس از نگاه سور ،
لریو کیف هم نسبت به بسیار بی آوازخوانان
رادیو و تلویزیون بهتر میخواند ، اما نمایی
دلم چرا استاد مپوش در حصه آواز شناس
حقیقت را نگفته است .

شاید کدام رقابت و یا خصومتی در میان
باشد ، زیرا دیده شده است که بعضی هنر
مندان در حین مصاحبه بایک مجله و اخبار

ز آن هنر مند یکم محبوب عام و خاص است
رنج میرد و به بد گوئی می پردازد و خود
را بلند تر قرار میدهد و من میدانم که
استاد مپوش از انجمله نیستند . باید خاطر
نشان ما خت که چنین سخن ها نمی تواند
از مجبو بیت قان شناس بگاهد . قان شناس
هنر مند نیست والا مقام و همیشه اشعاری
راکه انتخاب میکند پر محتوا و مفهومی
است .

دوست عزیز لیلیا رحیمزی فارغ تحصیل
لیسه زرغونه انای ولایت قندهار

قبل از همه ، از دستکارت ارسالی شما که
عید راه جواب نویسی و همه کار کنان
ژوندون مبارکباد گفته اید ، تشکر میکنم
و خدا کم تان نکند که لطف و نظر تان
به جانب ماست . مو قعیکه این پاسخ را
خواهید خواند ، به پیشواز عید خواهیم بود
که ما از فرصت استفاده میکنیم . عید کلا
را به سرف پرچسته به سیر از این صفا
سداریم

به شما تبریت میگوییم و صحبت من سمد
از خدا خواهیم .

باین تبریت لطف ، جبرن مافات ددشته
هم میشود نه این عید دو برابر عید مطراست ،
یعنی دو عید مسووست بهیت عید قان
به پاسخ نامه قان نیز سلامهای گرم نرم
نقدیم قان می نماییم و سلیقه و ذوق قان
ارج میگذاریم که چه تشنگ و ریبا قان
ر با کل من خیر زیور و اذین بسته اید ،
پیشنهادهای شما را خواندیم و درست فرموده
اید که داستان کمتر چاپ می کنیم . من
بخرچ میدهم نه من بعد بیشتر از پیش
دستان چاپ کنیم ولی اگر داستان حرب
کیرمان نیامد همان بهتر که از چاپش سوء
داری ورزیم . مزید بر آن اثر موافقت
از دیگران کتا پهای دستان به عاریت به
گیرید و با خواندن آن لذت ببرید .

اینکه دو شماره را به یک شماره و دایه
و جلد میکنیم جز مشکلات طباعتی چیزی
دیگری نیست و اثر بخوایم صفحات آنرا
زیاد کنیم باز همان سخن است که کار مجله
هفته دیگر را در بر میگیرد و عقب می ماییم
و آنگاه مج

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library